
دکتر محمد حسین کشاورز

گروه زبان انگلیسی

ضمایر شخصی و صورتهای خطاب (از دیدگاه جامعه شناسی زبان)*

امروزه این امر به صورت اصلی مسلم پذیرفته شده است که بین زبان و فرهنگ یک جامعه رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد. به دیگر سخن، زبان آینه تمام نمای فرهنگ یک جامعه است. با این حال، متأسفانه در اغلب مطالعات زبانشناختی ای که در ایران صورت گرفته است به نقش اجتماعی زبان توجه چندانی نشده است و زبان به عنوان پدیده ای مستقل از جامعه و عوامل غیر زبانی مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله حاضر سعی شده است با بررسی و تحلیل نقشی که ضمایر شخصی و صورتهای خطاب در روابط اجتماعی فارسی زبانان ایفا می کنند تصویری از رابطه میان زبان و جامعه ارائه شود.

اغلب کتب دستور زبان فارسی بخشی را به ضمایر اختصاص می دهند، ولی در این کتب، چنانکه موضوع ایجاب می کند، صرفاً حالات دستوری ضمایر مورد بررسی قرار می گیرد و به نقش اجتماعی و ارتباطی آنها توجهی نمی شود، در حالی که ضمایر شخصی و صورتهای خطاب، شاید بیش از کلمات دیگر، بازگو کننده قوانین اجتماعی حاکم بر روابط افرادی است که به یک زبان تکلم می کنند. اگر نحوه کاربرد ضمایر و صورتهای خطاب را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم متوجه

خواهیم شد که انتخاب آنها تابع یک رشته عوامل اجتماعی و غیر زبانی از قبیل سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی، شغلی، تحصیلی، و همچنین نوع رابطه بین افراد (دوستانه یا رسمی) و غیره است. به دیگر سخن، انتخاب و کاربرد ضمیر یا صورت خطاب خاصی می تواند بازگو کننده موقعیت اجتماعی گوینده و مخاطب و نوع رابطه آنها باشد. به عنوان مثال، در صورتی که رابطه کهری - مهتری بین دو نفر وجود داشته باشد معمولاً گوینده به جای ضمیر «من» از کلمه «بنده» استفاده می کند و مخاطب را به جای «تو» یا «شما» با «جناب عالی» یا «حضرت عالی» مورد خطاب قرار می دهد. از سوی دیگر، گوینده با به کارگیری ضمیر یا صورت خطاب خاصی حالات عاطفی و احساسات درونی خود را نسبت به مخاطب هم بازگو می کند. به عنوان مثال، وقتی شخص با لحن دوستانه از ضمیر «تو» استفاده می کند بدین وسیله می خواهد صمیمیت و نزدیکی خود را به مخاطب نشان دهد، در حالی که استفاده از همین ضمیر برای مورد خطاب قرار دادن فردی که نسبت به او از موقعیت اجتماعی برتری برخوردار است می تواند بیانگر حالات خصمانه گوینده و بی احترامی او به مخاطب باشد. این نمونه ها نشان می دهند که ضمایر و صورتهای خطاب بخوبی منعکس کننده نوعی فرهنگ اجتماعی و روابط و حالات درونی گویندگان یک زبان هستند.

با این مقدمه، اکنون به بررسی ضمایر فاعلی و صورتهای خطاب در فارسی از دیدگاه جامعه شناسی زبان، یعنی نقش اجتماعی و ارتباطی آنها، می پردازیم. برای سهولت در ارائه مطالب، این واژه ها را به سه دسته تقسیم می کنیم و هر یک را جداگانه مورد بحث قرار می دهیم:

الف - ضمیر اول شخص مفرد و کلمات جانشین آن

ب - ضمیر دوم شخص مفرد و کلمات جانشین آن

ج - ضمیر سوم شخص مفرد و کلمات جانشین آن

در این مقاله، همچنین نشان داده خواهد شد که قوانین حاکم بر گفتار و رفتار اجتماعی افراد جامعه اقتضا می کند که در بسیاری موارد فرد از کاربرد ضمایر شخصی خودداری کند و به جای آنها کلماتی مؤدبانه و یا متواضعانه به کار برد.

الف - ضمیر اول شخص مفرد و کلمات جانشین آن

ضمیر اول شخص مفرد «من» در موقعیتهای اجتماعی زیر به کار می‌رود:

۱- در صورتی که گوینده و شنونده از موقعیت سنی و اجتماعی تقریباً یکسانی برخوردار باشند، مانند وقتی که یکی از دو همکلاسی یا همکار نزدیک به دوست خود می‌گوید: «من بهت گفتم که نباید اونجا بری!»

۲- در مکالمات خانوادگی یا دوستانه به سبب صمیمیتی که معمولاً بین اعضای خانواده یا دو دوست وجود دارد معمولاً از تعارفات و تکلفات لفظی خودداری می‌شود و افراد از ضمیر «من» برای اشاره به خود استفاده می‌کنند. مثال: «دیروز من و رضا با هم رفتیم سینما.»

۳- در شرایطی که گوینده قصد نشان دادن قدرت یا موقعیت برتر خود را داشته باشد. در این صورت ضمیر «من» با تأکید بیان می‌شود. مثال: «من» به شما دستور می‌دهم که هرچه زودتر این محل را ترک کنید.

غیر از مواردی که گذشت معمولاً از کاربرد ضمیر «من» خودداری می‌شود و به جای آن از کلماتی چون «بنده»، «مخلص»، «چاکر» و «حقیر» استفاده می‌شود. این بدان سبب است که ادب اجتماعی و فرهنگ سنتی ما ایرانیان اقتضا می‌کند که شخص در محاوره با مخاطبی که از لحاظ موقعیت اجتماعی، تحصیلی، سنی، مذهبی و شغلی نسبت به او برتری دارد احترام لازم را بجا آورد و خود را در مرتبه‌ای فروتر از او نشان دهد. این کلمات حتی توسط افرادی که از لحاظ اجتماعی از موقعیت برتری برخوردارند به کار می‌روند که در این صورت بیانگر تواضع و فروتنی آنان است که خود از صفات پسندیده اخلاقی - اجتماعی به شمار می‌رود. این واژه‌ها گاهی نیز به منظور تملق‌گویی و چاپلوسی به کار می‌روند که چنین کاربردی بطبع ناپسند خواهد بود.

شایان ذکر است که به کارگیری کلماتی چون «بنده» و «مخلص» ایجاب می‌کند که به جای افعال معمولی از افعال و کلماتی استفاده شود که احترام و یا تواضع لازم را بیان کنند. مانند آن که به جای عبارت «من گفتم که ...» عبارت «بنده خدمتان عرض کردم که ...» به کار می‌رود.

نکته دیگر اینکه چنین کلماتی عمدتاً توسط آقایان به کار می‌روند و بندرت در گفتار خانمها شنیده می‌شود. البته کاربرد کلمه «کنیز» هنوز هم در برخی از طبقات اجتماعی و مخصوصاً در میان روستائیان توسط خانمهای مسن رواج دارد. از میان کلمات مزبور به نظر می‌رسد که «بنده» از تداول و عمومیت بیشتری برخوردار است. از طرفی «چاکر» بندرت توسط افراد تحصیلکرده به کار می‌رود.

نکته قابل ذکر دیگر این است که خردسالان معمولاً به سبب اینکه هنوز به تعارفات و تکلفات اجتماعی خوی نگرفته‌اند کلمات مؤدبانه و یا متواضعانه سابق الذکر را در محاورات روزمره خود به کار نمی‌برند. در واقع کاربرد چنین کلماتی توسط خردسالان چنان غیرطبیعی می‌نماید که موجب تعجب و احیاناً تمسخر برزگترها می‌شود. با توجه به آنچه که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که کاربرد کلماتی چون «بنده» و «چاکر» تابع عواملی چون سن، جنسیت و میزان تحصیلات است.

ضمیر اول شخص جمع، «ما»، برعکس «من»، جایگزین اسمی ندارد ولی همراه اسمی دارد، مانند: ما کارمندان دولت...، ما شرکت کنندگان در این کنفرانس...، ما حاضرین در جلسه... در گذشته نیز همراه «ما» کلماتی چون «بندگان»، «خدمتگزاران» و «جان نثاران»، هنگام مخاطب قرار دادن صاحبان قدرت سیاسی، اقتصادی، و نظامی، به کار می‌رفت که معمولاً حاکی از ترس یا تملق‌گویی و چاپلوسی بود، ولی کاربرد این کلمات بتدریج منسوخ شده است.

ب - ضمیر دوم شخص مفرد و کلمات جانشین آن

کاربردهای مختلف ضمیر «تو»

- ۱ - در صورتی که بین گوینده و شنونده رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک برقرار باشد - مانند رابطه بین دو دوست، دو همکار نزدیک یا دو همکلاسی - ضمیر تو به صورت دو جانبه به کار می‌رود. گاهی نیز برای نشان دادن صمیمیت بیشتر همراه «تو» نام و نام خانوادگی مخاطب با کلمه «جان» (در لهجه تهرانی «جون») به کار

می رود. مثال:

الف: علی جون، تو با ما میای؟

ب: شافع جان، پرونده را بررسی کردی؟

۲- در مکالمات بین افراد خانواده کاربردهای زیر برای ضمیر «تو» شنیده شده است.

الف: همسران جوان معمولاً یکدیگر را با ضمیر «تو» مورد خطاب قرار می دهند ولی در حضور دیگران (مثلاً میهمانان) اغلب از کلمات «خانم» و «آقا»، به تنهایی و یا همراه نام همسر، استفاده می کنند. مثال:

(نسرین) خانم، رفع زحمت نکنیم؟

(محمد) آقا، بچه ها فردا صبح زود باید برن مدرسه.

ب - والدین معمولاً فرزندان خود را تا سن خاصی (بین ۱۰ تا ۱۵ سالگی) با ضمیر «تو» به صورت یک جانبه مخاطب قرار می دهند. البته گاهی به قصد شخصیت دادن به فرزندان خود از کاربرد «تو» احتراز می ورزند و به جای آن از ضمیر احترام آمیز «شما» استفاده می کنند. این امر بیشتر در میان خانواده های تحصیل کرده مشاهده می شود.

ج - برادران و خواهران بزرگتر در گفتگو با کوچکترها معمولاً از «تو» استفاده می کنند و از آنها انتظار دارند که ضمیر «شما» را به کار ببرند. بنابراین کاربرد «تو» در این مورد یک جانبه است.

۳- هنگام راز و نیاز کردن با خدا از ضمیر «تو» استفاده می شود. مثال: «خدایا تو خودت شاهی که من نیت سوئی نداشتم. خدایا تو خودت رحم کن.»

۴ - کاربرد یک جانبه «تو» توسط مقامات سیاسی، نظامی و اقتصادی هنگام مورد خطاب قرار دادن زیردستان، در رابطه کهنتری - مهتری، در گذشته پیوسته رایج بود. اینکه در این شیوه امروزه تغییری حاصل شده است یا خیر مستلزم تحقیق و بررسی بیشتر است.

۵ - در صورتی که گوینده بخواهد مخاطب را تعمداً تحقیر کند ضمیر «تو» را بجای «شما» به کار می برد. مثال: تو را چه به این کارها!

- ۶ - در مشاجرات لفظی و گفتگوهای خصمانه معمولاً از ضمیر «تو» استفاده می‌شود. مثال: تو بیخود کردی ماشینتو جلوی خونه من پارک کردی!
- ۷ - هنگامی که شخص خود را در خلوت مورد خطاب قرار دهد (مانند سرزنش کردن خود به دنبال ارتکاب اشتباهی) از ضمیر «تو» استفاده می‌کند. مثال: آخه مرد تو که این همه مقروضی چرا ولخرجی می‌کنی!

کاربردهای مختلف ضمیر «شما»

بنابر اصول دستور زبان فارسی «شما» باید همیشه به عنوان دوم شخص جمع به کار برده شود ولی شنیده شده است که در موقعیت‌های اجتماعی - ارتباطی زیر، ضمیر «شما» برای دوم شخص مفرد هم به کار رفته است.

۱ - هنگامی که گوینده و شنونده از موقعیت سنی و اجتماعی یکسانی برخوردار باشند و صمیمیت زیادی بین آنها برقرار نباشد به جای «تو» از ضمیر «شما» استفاده می‌کنند. این کاربرد «شما» غالباً در محیط‌های اداری و رسمی رواج دارد.

۲ - در محیط خانوادگی، هنگامی که کوچکترها بخواهند یکی از والدین و یا خواهران و برادران بزرگتر خود را مورد خطاب قرار دهند از ضمیر «شما» استفاده می‌کنند.

۳ - همسران جوان معمولاً در حضور دیگران به منظور رعایت احترام بیشتر یکدیگر را با ضمیر «شما» مورد خطاب قرار می‌دهند.

۴ - هنگامی که دو نفر بیگانه بخواهند با یکدیگر سخن بگویند از ضمیر «شما» استفاده می‌کنند. مثال: ببخشید شما دانشجو هستید؟
- بلی شما چطور؟

۵ - گاه در پاره‌ای از گفتگوها ضمیر شما را با فعل دوم شخص مفرد به کار می‌برند. مثال: «شما گفتی.»، «شما این پیشنهاد را کردی.»
این ساختار در میان افراد کم سواد و عوام بیشتر شنیده می‌شود.
در شرایطی که بین گوینده و شنونده رابطه کهنتری - مهتری وجود داشته باشد و

یا گوینده بخواهد احترام بیشتری برای مخاطب خود، به اقتضای سن، موقعیت اجتماعی، شغلی و غیره، نشان دهد به جای ضمیر «شما» از کلمات مؤدبانه و احترام آمیزی چون «جناب عالی»، «حضرت عالی» و امثال آن استفاده می‌کنند. این کلمات بیشتر توسط آقایان و افراد تحصیلکرده به کار می‌روند. در به کارگیری این واژه‌های احترام آمیز و مؤدبانه عامل سن محدودیتهایی ایجاد می‌کند، چرا که کاربرد چنین واژه‌هایی توسط خردسالان غالباً موجب تعجب و تمسخر می‌شود. ضمناً «حضرت عالی» نسبت به «جناب عالی» احترام بیشتری را می‌رساند و در موقعیتهایی که بین گوینده و شنونده فاصله اجتماعی زیادی وجود داشته باشد به کار می‌رود.

در صورتی که مخاطب صاحب عنوانی چون استاد، دکتر، مهندس، رئیس و امثال آن باشد این عناوین همراه با کلمات احترام آمیز سابق الذکر به کار می‌روند، مانند: «استاد، جناب عالی در این مورد چه نظری دارید؟» غیر از استاد «سایر عناوین همراه با کلمه آقا به کار می‌روند، مانند: «آقای دکتر، جناب عالی تشریف می‌آورید؟»

بطوری که ملاحظه می‌شود، همراه با عناوین یاد شده از افعال احترام آمیز و مؤدبانه‌ای مانند «تشریف می‌آورید» استفاده می‌شود.

گاهی نیز فعل به صورت سوم شخص جمع به کار می‌رود، در حالی که مخاطب، مفرد است. مثال: آقای «رئیس تشریف می‌آورند؟» به جای «آقای رئیس تشریف می‌آورید؟». لذا به تناسب فاصله اجتماعی گوینده و شنونده و همچنین میزان احترامی که گوینده برای مخاطب قائل است ضمایر و صورتهای خطاب و همچنین عبارات فعلی‌ای که همراه آنها به کار می‌روند متفاوتند. مثالهای زیر که همه برای دوم شخص مفرد به کار می‌روند بیانگر این مطلب هستند:

۱ - تو می‌آی؟

۲ - شما می‌آی؟

۳ - شما می‌آئید؟

۴ - شما تشریف می‌آورید؟

۵ - (آقای دکتر، مهندس، رئیس) جناب عالی تشریف می‌آورید؟

۶ - حضرت عالی تشریف می‌آورید؟

۷ - جناب استاد تشریف می‌آورند؟

۸ - حاج آقا تشریف می‌آورند؟ (به عنوان مثال در خطاب به پیش‌نماز یک

مسجد)

۹ - حضرت آقا تشریف می‌آورند؟ (غالباً در خطاب به یک مقام روحانی)

علاوه بر آنچه که گذشت، القاب و عناوین دیگری نیز برای مخاطب قرار دادن

دوم شخص مفرد به کار می‌روند که متداولترین آنها عبارتند از:

پایا، پدر، عمو، دایی، مادر، آبی، برادر، خواهر، حاج خانم، مش خانم، (مخفف مشهدی خانم) حاج آقا، حاجی، مشتی (مخفف «مشهدی»)، مش + اسم کوچک (مانند مش تقی)، کلب + اسم کوچک (مانند کلبعلی که مخفف کربلایی علی است)، آقا پسر، دختر خانم، پسر، دخترم، اسم مصغر، و جناب.

کلمات «پایا»، «پدر»، «عمو»، «دایی» و «مادر» علاوه بر نقشی که از لحاظ روابط خانوادگی و نسبی دارند به جای شما یا همراه این ضمیر برای خطاب به غریبه‌ها به کار می‌روند و بار عاطفی و ارشدیت سنی را می‌رسانند. به دیگر سخن، این عناوین در خطاب به افراد مستی که اسامی آنها برای گوینده شناخته شده نیست و در شرایط غیر رسمی‌ای که فاصله اجتماعی کم است به کار گرفته می‌شوند و با استفاده از آنها گوینده نوعی رابطه عاطفی با شنونده ایجاد می‌کند.

«آبی» معمولاً برای خطاب به یک زن بیگانه در صورتی که بین گوینده و شنونده اختلاف سنی زیادی وجود نداشته باشد، به کار می‌رود. البته عواملی چون طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات در کاربرد این واژه دخیلند چرا که تحصیلات و برخی از اقشار اجتماعی از کاربرد این واژه خودداری می‌کنند.

«برادر» و «خواهر» تا قبل از انقلاب اسلامی صرفاً نقش خانوادگی و نسبی داشتند ولی بعد از انقلاب به عنوان صورتهای خطاب رواج یافتند و کاربرد آنها معمولاً حاکی از نوعی اتحاد و همبستگی است.

«حاج خانم» بیشتر در خطاب به خانمهای مسن و چادری به کار می‌رود.

«مش خانم» در جوامع روستائی و همچنین در میان برخی از اقشار اجتماعی در جوامع شهری برای خطاب به خانمهای مسن و میان سال رواج دارد. «حاج آقا» و «حاج خانم»، علاوه بر کاربرد آنها به عنوان القاب مذهبی، برای مخاطب قرار دادن بیگانه‌ها نیز به کار می‌روند که در این صورت مخاطب معمولاً مسن تر از گوینده است.

«مشتی» و «مش» به اضافه اسم کوچک مخاطب در جوامع روستائی و در میان برخی از اقشار جوامع شهری (اغلب مغازه داران سنتی) رواج دارد ولی «کلب» به اضافه اسم کوچک مخاطب، به نظر می‌آید که صرفاً در جوامع روستائی به کار می‌رود.

«آقا پسر» و «دختر خانم» برای خطاب به خردسالان بیگانه به کار می‌روند. عامل سن در کاربرد این دو عنوان نقش چندان مهمی ایفاء نمی‌کند، در حالی که «دخترم» و «پسرم» صرفاً توسط افراد مسن به کار می‌روند.

اسم «مصغر» به منظور توهین کردن به مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند «مردک این چه طرز حرف زدن است؟» البته در محیط خانوادگی هنگامی که اسم فرزندان یا برادران و خواهران کوچکتر توسط بزرگترها به صورت مصغر به کار رود توهین آمیز نیست، بلکه صرفاً دلالت بر صغر سن مخاطب دارد، مثال: «حسنی، بیا اینجا ببینم».

«جناب» نیز به تنهایی برای مخاطب قرار دادن غریبه‌ها به کار می‌رود، مانند: «جناب فرمایشی بود؟»

برخی از عناوین فوق‌الذکر می‌توانند با کلمات دیگر ترکیب شوند که در این صورت بار معنایی آنها عوض می‌شود. به عنوان مثال، «بابا» وقتی که به تنهایی برای خطاب به بیگانگان مسن به کار رود نه تنها موهن نیست بلکه بیانگر بار عاطفی و ارشدیت سنی نیز هست، در حالی که، اگر همین کلمه با فعل «برو» ترکیب شود غالباً غیر مؤدبانه تلقی می‌شود، مثال: «برو بابا».

ج - ضمیر سوم شخص مفرد و کلمات جانشین آن

برای اشاره به سوم شخص مفرد معمولاً از دو ضمیر «او» و «ایشان» استفاده

می‌شود. «او» در موقعیتهایی به کار می‌رود که گوینده و کسی که درباره او سخن گفته می‌شود از لحاظ سنی، اجتماعی، شغلی و امثال آن از موقعیت یکسانی برخوردار باشند و بین آنها رابطه‌ای دوستانه و نزدیک برقرار باشد. در غیر این صورت از ضمیر «ایشان» استفاده می‌شود که مؤدبانه‌تر است. عامل سن در کاربرد «ایشان» تاثیر دارد، و از خردسالان شنیده نشده است که این ضمیر را به کار برند.

در صورتی که گوینده بخواهد با احترام بیشتری از کسی که حضور ندارد یاد کند به جای ضمیر شخصی «ایشان»، به تناسب شغل و شان اجتماعی او، از القاب و عناوین احترام آمیز و مؤدبانه دیگری استفاده می‌کند. متداول‌ترین این القاب به شرح فرمول زیرند:

۱ - (حضرت) + آیت ... + (نام و نام خانوادگی)

۳ - آقای یا خانم + دکتر + نام خانوادگی

۴ - استاد + نام خانوادگی

۵ - (آقای) + مهندس + نام خانوادگی

۶ - آقای یا خانم + نام خانوادگی

بعد از هر کدام از عناوین فوق گاهی عنوان شغلی هم اضافه می‌شود، مانند: «آقای دکتر... رئیس محترم دانشگاه...» افعالی که همراه این عناوین و القاب به کار می‌روند به صورت جمع می‌باشند تا بتوانند احترام مورد نظر را بازگو کنند.

از اسم کوچک فرد نیز می‌توان استفاده کرد که در این صورت نهایت صمیمیت و نزدیکی بین دو دوست را می‌رساند، مانند: «علی گفت فردا به دانشگاه نمیداد.»

علاوه بر آنچه که گذشت، القاب و عناوین دیگری نیز به جای ضمیر «او» به کار می‌روند که متداول‌ترین آنها به شرح زیرند:

در مکالمات خانوادگی، فرزندان معمولاً هنگام صحبت کردن در مورد پدر خود

از کلمات «بابا» یا «آقا جون» و در مورد مادر از «مامان»، «ماما جون»، «مادر» و «مادر

جون» استفاده می‌کنند. البته «مامان» و «مامان جون» بیشتر توسط دخترها به کار

می‌رود و پسرها اغلب کلمه «مادر» یا «مادر جون» را به کار می‌برند. در برخی از

طبقات اجتماعی از کلمه «ننه» به جای «مادر» استفاده می‌شود. بنابراین جنسیت و

طبقه اجتماعی در انتخاب این کلمات نقش اصلی را ایفاء می‌کنند.

زن موقع صحبت کردن در مورد شوهر خود در صورتی که یکی از فرزندان مورد خطاب باشد معمولاً از کلمه «بابات» استفاده می‌کند، مانند: «اگر شیطونی کنی به بابات میگم ها!» و اگر بخواهد احترام بیشتری را نشان دهد از عبارت «آقا جون» استفاده می‌کند. ولی اگر مخاطب آشنا نباشد معمولاً نام خانوادگی شوهر بدون عنوان «آقا» به کار می‌رود، مانند «شهروندی معمولاً پنجشنبه‌ها سرکار نمی‌رود». در صورتیکه شوهر صاحب عنوانی چون «دکتر» و «مهندس» باشد و همسرش قصد عنوان کردن آنرا داشته باشد معمولاً عنوان مورد نظر بدون اسم همسر به کار می‌رود. مثال: «دکتر رفته مسافرت خارج» البته چنین کاربردی پسندیده به نظر نمی‌آید. به کاربردن القاب مزبور توسط مادران هنگام صحبت کردن در مورد فرزندان‌شان نیز رواج دارد که ممکن است حاکی از فخر فروشی در مورد آنها باشد. در برخی از طبقات اجتماعی و در خانواده‌های سنت‌گرا، زن معمولاً از به کار بردن اسم همسر خود احتراز می‌ورزد و در عوض از عناوینی چون «پدر بچه‌ها» یا «آقامون» استفاده می‌کند. مثال: «آقامون اجازه نمیدن خونه عموی بچه‌ها بریم چون میونشون هنوز شکرآبه». خائمهایی که مذهبی‌تر هستند معمولاً هنگام صحبت کردن در مورد همسر خود از عنوان «حاج آقا» استفاده می‌کنند. مثال: «ببخشید، حاج آقا تشریف ندارند».

شوهران جوان و افراد تحصیلکرده هنگام صحبت کردن در مورد همسر خود غالباً از لقب «خانم» استفاده می‌کنند. ولی در صورتی که مورد خطاب از بستگان و دوستان نزدیک باشد به جای «خانم» اسم کوچک همسر خود را به تنهایی یا با کلمه «جون» به کار می‌برند. مثال: «نسرین جون چند روزیه که سخت سرما خورده».

در خانواده‌های سنت‌گرا به جای «خانم» یا «نام کوچک» همسر معمولاً شوهر از کلماتی چون «زن» و «عیال»، «بچه‌ها»، «مادر بچه‌ها»، و یا «والده آقا مصطفی» استفاده می‌کند. «منزل» نیز در میان برخی از طبقات اجتماعی و اقلیتهای زبانی متداول است.

خواهران و برادران بزرگتر اغلب برای اشاره به کوچکترها از اسم کوچک آنها

استفاده می‌کنند. در برخی از گروههای اجتماعی «پای تصغیر» نیز به اسم کوچک اضافه می‌شود، مثال: «حسنى دیر کرد».

کوچکترها هنگام صحبت کردن در مورد خواهران و برادران بزرگتر از کلماتی چون «خواهر جون» و «داداش» استفاده می‌کنند. البته در برخی خانواده‌ها به جای «خواهر» کلمه «آبجی» به کار می‌رود.

تا گذشته نه چندان دور در صورتی که برادر بزرگتر از اعتبار و نفوذ خاصی در خانواده برخوردار بود لقب «خان دادش» یا «میز دادش» (مخفف میرزا دادش) به خود می‌گرفت. چنین به نظر می‌رسد که هنوز هم در برخی خانواده‌ها (و بیشتر در شهرستانها) چنین لقبی رواج داشته باشد. شاهد این مدعا، سریال تلویزیونی «عطرگل یاس» است که در آن از القاب «خان داداش» و حتی «خان عمو» بکرات استفاده می‌شد.

اگر گوینده نخواهد اسم شخصی را که درباره او سخن می‌گوید ذکر کند از واژه‌هایی چون «یارو» و «طرف» استفاده می‌کند، مانند: «طرف خیلی وضعش خوب شده». گاهی نیز عناوین «خانم» و «آقا» به کار می‌رود که در این صورت اغلب از عبارات فعلی ظاهراً مودبانه ولی کنایه آمیز استفاده می‌شود. مثال: «خانم خیلی از خود راضی تشریف دارند».

خلاصه

در این مقاله کاربرد ضمائر شخصی فاعلی و کلمات جانشین آنها از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان مورد بررسی قرار گرفت. به طوری که از نظر خوانندگان عزیز گذشت، کاربرد این کلمات تابع یک رشته عوامل غیر زبانی مانند سن، موقعیت اجتماعی، شغلی، تحصیلی، مذهبی، نوع رابطه بین افراد (دوستانه، خصمانه رسمی)، جنسیت و امثال آن است. به عبارت دیگر، صرفاً از طریق مطالعه این کلمات می‌توان اطلاعات زیادی در مورد موقعیت و روابط اجتماعی افراد بدست آورد. این نقش اجتماعی زبان از نقش دستوری آن متمایز و بسیار حائز اهمیت است و چون زبان پدیده رفتاری اجتماعی است در نظر گرفتن پارامترهای اجتماعی در

مطالعه‌ان زبانشناسی حتماً ضروری می‌نماید.

در خاتمه نقشهای اجتماعی متفاوتی که یک فرد واحد (که اسم فرضی او علی و استاد دانشگاه و رئیس اداره ای است) می‌تواند در زندگی روزمره خود ایفاء کند و عناوین و القابی که توسط آنها مورد خطاب قرارگیرد ذیلاً درج می‌شود.

گزینه و نوع رابطه او با مخاطب

صورت خطاب

بابا جون	فرزند خردسال
آقا جون یا پدر	فرزند بزرگتر
علی - تو (علی تو امروز دیر برمی‌گردد؟)	همسر (در محیط صمیمی خانواده)
شما	همسر (در حضور دیگران، مثلاً میهمانان رسمی)
دادش یا خان داداش	برادر یا خواهر کوچکتر
علی جان	برادر بزرگتر
دکتر	برادر هم سن و سال
پسر	پدر یا مادر مسن
استاد یا جناب استاد	دانشجو
آقای دکتر	همکاران
آقای رئیس	کارکنان زیر دست
دکتر جان	دوستان و همکاران نزدیک
آقا	غریبه‌هایی که او را نمی‌شناسند
جناب	" " " " " "
حاج آقا	غریبه‌هایی که مذهبی ترو سنتی تر هستند
حاجی	غریبه‌هایی که میزان تحصیلات
	پایین تری دارند

✽ پانویست

توضیح این نکته ضروری می‌نماید که به دلیل محدود بودن منابع و مآخذ پیرامون موضوع مقاله، نگارنده در تقریر آن به تحقیقات و مشاهدات زبانشناختی خود متکی بوده است. به عبارت دیگر، مقاله حاضر حاصل مطالعات و یادداشتهای نگارنده در مورد کاربرد ضمایر شخصی فاعلی و صورتهای خطاب در مکالمات روزمره افراد مختلف جامعه در موقعیتهای گوناگون است. به عنوان نمونه، ضمن دیدن یک فیلم ایرانی نکته زبانشناختی زیر توجه نگارنده را به خود جلب کرد: یکی از شخصیت‌های فیلم (یک خانم میان سال) منشی مؤسسه انتشاراتی را که خانم ۲۵ ساله‌ای بود، و نقش اصلی فیلم را بازی می‌کرد، از روی تحقیر «خانم کوچولو» خطاب کرد. مخاطب که متوجه منظور گوینده شده بود بلافاصله اعتراض کرد و گفت: مرا مخصوصاً خانم کوچولو (البته خانم کوچولو هنگامی که در مورد دختران خردسال به کار می‌رود نه تنها تحقیر آمیز نیست بلکه میتواند تحسین آمیز نیز باشد) صدا می‌کنی که تحقیرم کنی؟ ولی من....

